

من و کتله‌ی وسیع جوانان، تشنه‌ی معلومات تاریخ واقعی، بخصوص حقایق و رویدادهای بیش از شش دهه اخیر کشور خود میباشیم بخش چهارم فرزاد مجید پور

پیامبر خدا میگوید:

(فقری سخت تر از نادانی و ثروتی بالاتر
از خردمندی و عبادتی والاتر از تفکر نیست)
(محمد مصطفی "ص")

اشاره: [«... به درخواست آقای عظیم بشرمل، یکی از جوانان علاقه مند به تاریخ جنبش های چپ افغانستان و رهبران آنها...»]، جناب محمد اسماعیل « اکبر»، حدوداً یک سال قبل، نیشته‌ی را - در باره‌ی (محمد طاهر بدخشی)، در فیسبوک خویش و تعدادی از سایت ها و تارنها فارسی- دری، به نشر رسانید. ما قبلاً در همین صفحه، آن را پیشکش خواننده گان گرامی نمودیم. اکنون برای روشن شدن- کمی و کاستیهای محتوای احتمالی نوشته‌ی مذکور، سوالات چند را در سه قسمت برای بحث و گفتمان، پیشکش خواننده گان و صاحب نظران محترم مینمایم، تا به کنه و کیف مطالب تحریر یافته‌ی جناب م.ا. « اکبر»، در باره‌ی استادش (م.ط. « بدخشی »)، دست یافته باشیم. توقع می‌رود صاحب نظران محترم و بزرگوار، بسیار فشرده و مشخص مطابق پرسش ابراز نظر نمایند، تا ما و خواننده گان را راهکشا باشند.
پرسشها:

1 - **متن:** «... وکیل محمد ذاکر [پدر م.ط. بدخشی] تبار به گفته خود بدخشی ها ترکی داشت. که البته حوادث اخیر موجب شده که همه آنها که در گذشته به ترک بودن خود افتخار میکردند حالا خود را اوزبک میدانند. ..»

پرسش - آیا واقعاً ترک تبارها به گفته م.ا. « اکبر»، خود را بنا به علل ای اوزبک معرفی کردند و تبار « بدخشی»، به کدام یک، « ازبک» و یا « ترک» تعلق دارد؟

2 - **متن:** «... بدخشی در شهر فیض آباد بزرگ شده و احتمالاً از جانب مادر تاجک بوده است. زیرا خودش به زبان ازبکی تسلط نداشت. ..»
پرسش - آیا م.ط. بدخشی، به گفته م.ا. اکبر، از طرف مادر احتمالاً، تاجیک تبار بوده و در شهر فیض آباد بزرگ شده است؟

3- **متن:** «... بدخشی زمانی که در فیض آباد متعلم بوده در گروهی به نام خانه آباد قوم عضویت داشته است...»
پرسش - این درست است که بدخشی در گروهی به نام « خانه آباد قوم » عضویت داشت؟ و فعالیتهای فرهنگی، سیاسی و مصروفیتهای، م.ط. بدخشی در شهر فیض آباد مرکز ولایت بدخشان همین بود و بس؟

4 - **متن** : «... وکیل محمد ذاکر پسرش [م.ط. بدخشی] را که در او استعداد برجسته میدیده برای ادامه درس و تعلیم به کابل نقل مکان داده و بدخشی صنف های یازدهم و دوازدهم را در لیسه حبیبیه به انجام رسانده است...»

پرسش - م.ط. بدخشی آیا صنف دهم لیسه را در فیض آباد و یا در کابل خوانده ؟ و نقل مکان در اینجا به مفهوم سه پارچه بکار رفته یاخیر ؟

5 - **متن** : «... قرار گفته خودش او [بدخشی] با هاشم شایق افندی که علاوه بر ادبیات بر روان شناسی و رشته های از علوم معاصر آشنا بوده در خانه اش صحبت و همنشینی نموده... این هاشم شایق افندی از مهاجرین آسیای میانه و سفیر دولت متجددین بخارای جوان در کابل بوده است که بعد از سقوط آن دولت به دست بلشویک ها در کابل پناهنده گی اختیار نموده و از جانب امان الله خان به حیث منتظم امور معارف تازه تشکیل کشور توظیف و خدماتی انجام داده بوده. بعد در زمان نادر خان به حیث رئیس تالیف و ترجمه مقرر شده و مجله آئینه معارف را تاسیس و در رشد مطبوعات اختصاصی در افغانستان پیش قدمی داشته است. ترجمه های از روان شناسی یا به اصطلاح آن زمان علم الروح از او در این مجله به نشر رسیده است. افندی احتمالاً مضامین تازه را از زبان ترکی ترجمه می نموده است.»

پرسش - از متن نوشته م.ا. « اکبر»، بر می آید، یکی از برجسته ترین آموزگار م.ط. بدخشی، جناب هاشم افندی باشد. آیا این نتیجه گیری درست است؟

6 - **متن** : «... عضویت [محمد طاهر] بدخشی در محفل عارف و شاعر کابل غلام سرور دهقان منظم تر و مداوم بوده و افراد این محفل به او به نظر جوان مستعد و خاص میدیده اند. مرحوم صوفی عشقوری غزلی به نام محمد طاهر جان بدخشی به نام او [بدخش] به صنعت توشیح سروده بوده است...»

پرسش - منظور از سرودن غزل صنعت توشیح مرحوم عشقوری برای بدخشی [طاهر جان] از دید- م.ا. « اکبر»، چه بوده و در صنعت شعری، جایگاه « صنعت توشیح » در کجای ادبیات شعری قرار دارد ؟

7- **متن** : «...با شروع فعالیت های مخفی سیاسی بدخشی با بقایای جنبشی به نام اتحاد و ترقی که در دوره هفت به اشتراک شخصیت های منور شمال کشور از جمله خیری فاریابی، محمد نظر نوا، هلال الدین بدری و عبدالاول خان قریشی و عده ای دیگر ایجاد گردیده بود در گروه سیاسی به نام خراسان عضویت حاصل کرده...»

پرسش - آیا معلوماتی در باره نهادهای بنام های « جنبش اتحاد و ترقی » و « گروه سیاسی خراسان»، در دست است ؟ و در گروهی بنام خراسان، م.ط. بدخشی عضویت داشت ؟ احد اقل ای معلومات را در این باره مفید می دانیم.

8- **متن** : «... [م.ط.] « بدخشی » تا اعلام قانون اساسی جدید و شروع فعالیت های سیاسی دهه دموکراسی در پوهنتون کابل با جوانانی که جذب افکار مارکسیستی شده بودند همراهی نموده و در ردیف اول جنبش چپ افغانستان شروع به فعالیت کرده است. معلوماتی که من در این دوره از فعالیت های او دارم او در پوهنتون با سلطان علی کشتمند که هر دو محصل فاکولته اقتصاد بوده اند و شهر الله شهپر محصل زراعت، شرعی جوزجانی محصل شرعیات و دستگیر پنجشیری محصل ادبیات حلقه ای را تشکیل داده بوده اند. که شاید تاثیر همین رابطه موجب شده خانم اولش را که زن دهاتی و بی سواد بوده طلاق گفته و با جملیه خواهر کشتمند ازدواج نموده است...»

پرسش - راستی آیا علای جدای م.ط. بدخشی از خانم اولی و وصلتش با خانم دومی، آنچه است، م.ا. « اکبر » میگوید، یا دلایلی غیر از این هم وجود دارد؟

9 - **متن :** «... در میان طرفدارانش شایع بود که او [بدخشی] نیز در اولین انتخابات در کنگره اول به حیث منشی حزبی بعد از ترکی و کارمل منتخب گردیده که مورخین حزب دموکراتیک خلق به اتفاق این نظر را تردید نموده اند...»

پرسش - درباره منشی سوم و یا نفر سوم - م.ط. بدخشی، بعد از نور محمد ترکی و بیرک کارمل، در انتخابات کنگره اول جمعیت دموکراتیک [11 جدی 1343 خ] چه کلامی نهفته است که، م.ا. « اکبر » به آن توجه نموده است؟ و آیا یاران و شاگردان م.ط. بدخشی، او (بدخشی) را منشی سوم در جمعیت د.خ. تعریف کرده اند، یا در داشتن رای در کنگره یاد شده، نفر سوم تشخیص دادند؟

10 - **متن :** «... بدخشی هنگام عضویت در دموکراتیک خلق لست اعضای سازمان خراسان را با اسناد مرامی و اساس نامه به ترکی تسلیم می نماید که این اقدام او در میان منورین نسل قبلی مردمان شمال انعکاس بسیار منفی داشته و عمل او را دلیل بر گماشتگی اش از جانب شوروی تبلیغ مینمودند...»

پرسش - آیا اصل مساله همین است (جناب م.ا. اکبر در باره م.ط. بدخشی، حکم دارد- که گویا اسناد سازمان خراسان را به نور محمد ترکی سپرده، بناً وابسته به شوروی وقت بوده) توضیح طلب است و شاید جناب دستگیر « پنجشیری » و کسانی در باره معلومات داده بتوانند، البته مرهون احسان ایشان خواهیم بود؟

11- **متن :-** «... بدخشی در انشعاب اول [خلق و پرچم] برخلاف همراهان نخستینش، پنجشیری، شهپر، کشتمند و شرعی که با کارمل همراهی کردند به گروه ترکی پیوسته یکی دیگر از سوال هایبست که تا حال بی جواب مانده و این شخصیت ها؛ از جمله شهپر، شرعی و پنجشیری این امر را مشکوک تلقی نموده و حتی آن را در اثر استشاره محمد علی خان یفتلی وزیر دربار ظاهر شاه تبلیغ می نمودند. به گفته آنها چون کارمل شخصاً با دربار رابطه داشته و درباریان میخواستند اند به نحوی از فعالیت های گروه ترکی نیز مطلع گردند. البته اینها سند معتبری برای این ادعایشان نداشته و ارائه نکرده اند.»

پرسش - زمانی در جمعیت یا حزب (ح. د.خ. ا.) انشعاب صورت گرفت، و م.ط. بدخشی در جناح نور محمد ترکی باقی ماند و با جناح بیرک کارمل همصدا نشد، چه دلایلتئوریکی، سیاسی و یا ملحوظاتی دیگر نزد م.ط. بدخشی از این بابت وجود داشت؟ و آیا نزد جناب دستگیر پنجشیری و یارانش، همان مشکوکیت که م.ا. « اکبر»، اشاره دارند- تا هنوز باقیست و یا خیر؟

12 - **متن :-** «... بعد که بدخشی از ترکی جدا شد و بنابر اظهارات مورخین محفل انتظار را تشکیل داد. استدلال خود بدخشی در ابتدا آن بود که در مرام دموکراتیک خلق اصطلاح مبارزه با ستم ملی ثبت گردیده بود اما کارمل و ترکی تلاش نمودند آن را مسکوت بگذارند. تا این حد میتوان استدلال بدخشی را مطابق به سند مرامی مستدل تلقی کرد اما بعد از آن که گروه به نام ستم ملی معروف شد و اکثریت اعضا بنابر عقاید مارکسیستی با آن مخالف بودند و به طور مکرر و مداوم خواهان نشر اعلامیه ای مبنی بر تکذیب این عنوان به گروه بدخشی با درخواست آنها موافقت نکرد...»

پرسش - راستی اصل مساله و کنه قضیه بریدن م.ط. بدخشی و یارانش، از شاخه‌ی جناح خلق از چه قرار است؟ یاران و هم‌زمان نزدیک م.ط. « بدخشی»، که تا هنوز در قید حیات اند، ترک تاریخ‌گریزی کنند، چیزی در این باب و آنچه گفته آمدیم، اگر به یاد دارند- امید بازگو کنند، صرف نظر از ادایی دین تاریخی - سپاسگزار ایشان خواهیم بود.

13 - **متن :** «... محدودیت دیگر که در فعالیت بدخشی سوال برانگیز بود محدود ساختن فعالیت های سیاسی و تشکیلاتی گروه در شمال سالنگ بود که سوال های مکرر اعضا در این مورد بیجواب می ماند... البته بعد ها که سارا اسحاق کاوه و سخی غیرت را به حیث اعضای رهبری خود [جانب س.ا.ز.ا.] معرفی کردند از ابتکارات کوشانی بود که با آنها در دوران درس در شوروی آشنا شده و رابطه اش را حفظ کرده بود. اما تا زمان شهادت بدخشی هیچ کس از رابطه آنها با سازمان اطلاعی نداشتند...»

پرسش - دلیل اصلی ترکیب اعضای سازمان م.ط. « بدخشی»، از مردمان و مناطق خاص چه بوده؟ و چرا فعالیت سازمان (س.ا.ز.ا.) گسترده نبود؟ و یا به حزب سراسری تبدیل نگردید؟

14 - **متن :** «... بدخشی در میان سران گروه های چپ امتیازاتی داشت و آن اندوخته های از دانش های ادبی از دوره رابطه اش با محافل و شخصیت هایی بود که قبلاً در باره شان [از جمله هاشم افندی، صوفی عشقوری،... و غیره] یادآوری کردیم...»

پرسش - آیا امتیاز، م.ط. « بدخشی»، تنها همین توانایی های فرهنگی او نسبت به دیگر رهبران دوران خود بود یا تفاوت و یا برجسته گی های دیگری نیز داشت؟

15 - **متن :** «... در درون سازمان موضع گیری بدخشی در باره این که به مبارزه طبقاتی اولیت می دهد یا به مبارزات قومی ثابت نبود و مطابق اوضاع و دید مخاطب تغیر می کرد...»

پرسش - م.ا. « اکبر » معتقد است که م.ط. « بدخشی» در الویت بندی مبارزه طبقاتی و قومی (ملی داخلی) دچار نوسان فکری بوده و آیا این برداشت م.ا. « اکبر»، در ارتباط به دیدگاه م.ط. « بدخشی»، در مورد مسائل ملی و طبقاتی درست است، یا خیر؟

16 - **متن :** «... از این سبب وقتی در گروه [سازمان بدخشی] اختلاف پیش آمد مخالفین گروه طرفدار بدخشی را که البته بعد از رویداد ثور او رسماً با آنها قطع رابطه کرد اپورتونست میدانستند. زیرا آنها موضع ثابتی در اصولی ترین مسئله انقلاب دموکراتیک مطابق اصول مارکسیستی نداشتند. و تا حالا نیز سندی از جانب آنها در مورد نشر نگردیده است...»

پرسش - اعضای زنده و باقیمانده، رهبری وقت، سازمان م.ط. « بدخشی»، که در زمان مسئولیت آنها (1356 الی 1355 خ)، اختلافات بالا گرفت و بالاخره به انشعاب منجر گردید، ایشان در باره چه گفتنی دارند؟

17 - **متن :** «... بدخشی البته حساس بودن اختلافات قومی را در افغانستان میدانست و به طور خاص در تاریخ صد سال آخر افغانستان یعنی دقیقاً از زمان عبدالرحمان خان به بعد اثری را نیز زیر تالیف داشت. که متأسفانه حالا در دست رس نیست. تصور من این است که اعضای رهبری بعدی که خود را سارا نامیدند نوشته های بدخشی را پنهان نموده اند که دلیل آن یا عدم مطابقت آن نوشته ها با موضع گیری های خودشان و یا مشکلاتی در خود آن نوشته هاست که نمیتوانند آن را توجیه یا توضیح نمایند...»

پرسش - کادرهای رهبری آنوقت سازمان (1358 الی 1347 خ) در زمینه چی به گفتن دارند؟

18 - **متن** : «... در مجموعه مقالاتی که درباره بیدل در کابل نشر شده مقاله ای تحت عنوان بیدل از بدخشان است به قلم بدخشی نشر شده که آن هم متوسط بلکه پایین تر از متوسط است...»
پرسش - آنانی که به این مقاله دسترسی دارند و یا از نظر گزرانده اند در باره چه اندیشه دارند ؟ و خواهشمندیم، آنان که نوشته مذکور را در اختیار دارند، چه بهتر به نشر رسانده ما و خواننده گان را که به آن دسترسی ندارند خرسند سازند.

19 - **متن** : «... جالب ترین نوشته بدخشی توصیه ای به یک نویسنده جوان است که در مجله ادب نشر شده و به نظر می آید که مخاطب آن نبی عظیمی است. قسمت عمده متن این مقاله از نام رمان ها و داستان های بزرگ نویسندگان جهان ترکیب گردیده که نشان میدهد بدخشی خیلی داستان میخوانده است...»
پرسش - منظور، م.ا. «اکبر»، شاید این باشد، که م.ط. «بدخشی»، در نبشته یاد شده (عنوانی نبی اعظمی)، تقلید و یا کاپی برداری کرده باشد ؟ چه خوب خواهد بود، جناب محمد نبی اعظمی، در باره چیزی بنویسند. زیرا هم نامه را خواندند و یا با خود دارند و در ضمن قلم بدست روزگار خویش است.

20 - **متن** : «... علاوه بر فعالیت سیاسی و اندیولوژیک - که در این زمینه دومی [اندیولوژیک] موضعش مبهم بود و مطابق اوضاع تعبیر های گوناگون از آن ممکن میگردید...»

پرسش -- راستی دیدگاه اندیولوژیک، م.ط. «بدخشی»، مبهم، مذبذب و ناروشن بود ؟

21 - **متن** : «... [م.ط. «بدخشی»] در سیاست بیشتر بر حدت اختلافات قومی در میان طرفداران خود دامن می زد...»
پرسش - آیا، م.ط. «بدخشی»، راهی پایان دادن به اختلاف ملی و قومی (ملیتها و اقوام) را، در کشور جستجو و دنبال می کرد و یا در پی دامن زدن اختلاف قومی و اتینکی مردمان این سرزمین بود ؟ انطوریکه م.ط. «اکبر» ادعا دارد.

22 - **متن** : «... همین مسئله است [قومی، اتینکی و ملیتها] که امروز نیز عده ای آن را برای خود جالب می یابند زیرا موضع گیری های قومی موجب بروز فرصت طلبی برای شرکت در قدرت و به دست آوردن چوکی شده است...»
پرسش - راستی آنان که از طریق دامن زدن به اختلافات قومی به نان و نوا رسیده اند در راستای اندیشه های، م.ط. «بدخشی»، عمل کردند و یا اندیشه های او را به تحریف گرفتند واز آن منحیث وسیله و ابزار برای قدرت و ثروت سو استفاده میکنند ؟

23 - **متن** : «... در زمان حیات بدخشی مباحث جدی در مورد اینکه مسئله ملی نباید صرفاً در ساحه طرح محدود بماند بلکه باید راه حل آن نیز نشان داده شود و ارتباطش با سائر مسائل انقلاب دموکراتیک روش [ن] گردد. که متأسفانه این سوال ها تا حال نیز جواب نیافته اند...»
پرسش - آیا طرح مساله ملی (از دیدگاه م.ط. «بدخشی»)، با در نظر داشت کلیت مسایل داخلی و خارجی مطرح بود یا صرف اتینیکی ؟ و آیا برای پایان دادن به اختلافات و منازعت قومی و ملیتی راهی حل مطرح شده بود یا خیر ؟ آنان که پی سیر تفکر ملی اند، امید لب به سخن بکشایند و ما منتظر هستیم.

24 - **متن** : «... ممکن است عده ای از خوان اختلافات قومی لقمه هایی را نصیب شوند ولی حدت آن بدون یافتن راه حل اساسی زمینه بروز فاجعه های تازه را زنده نگه میدارد و در تحلیل نهایی آنان که ضعیف تر اند بیشتر پایمال می شوند چنانچه همین حالا شاهدیم که از اقوام مظلوم و محروم افغانستان که در عرصه نظامی و جنگ داخلی تبارز نداشته اند کسی سخنی به میان نمی آورد...»

پرسش - راه حل پایان دادن به منازعات قومی، ملیتی و اتنیکی کشور (افغانستان) آیا در کتمان کردن منازعات است و یا تشخیص و دریافت علل منازعات مذکور و جستجوی راه های حل ممکن برای زدودن زمینه شدت و حدت این منازعات و سرانجام از بین بردن علل و عوامل آن. آیا طرح اصول مسئله ملی و راه حل علمی و عادلانه آن از طرف م.ط. « بدخشی»، صرف به چهار قومیت کلان (هزاره، ازبک، تاجیک و پشتون) خلاصه می شود و یا مجموع قومیت ها و ملیت های خورد و بزرگ کشور را در بر دارد؟

25- **متن :** «... در صورتی که افغانستان در حقیقت کشور اقلیت هاست اگر دهها قوم کوچک و بزرگ کشور را که قدرت نظامی و حامی خارجی ندارند در نظر بگیریم شاید کمیت آنها نفوس قابل توجهی از ساکنان کشور را تشکیل دهد ولی کسی از حقوق آنها سخن نمیگوید. ...»
پرسش - آیا چنین است که م.ط. « اکبر» مطرح کرده است؟

26- **متن :** «... نگارنده نکته طنز آمیزی از نور محمد ترکی را در مورد دامن زدن مسائل قومی بخاطر دارم که گفته بود این مسئله [طرح اصولی مساله ملی ...] دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف است...»

پرسش - بالفرض نورمحمد تره کی گفته باشد (« این مسئله [طرح اصولی مساله ملی ...] دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف است... ») ، بدین لحاظ نباید در باره منازعت ملی و قومی اندیشید و برای آن نباید راه حل را جستجو کرد؟ چون جناب تره کی جستجوی راه حل منازعات اتنیکی کشور را دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف دانسته است.

27 - **متن :** «... با تاسف امروز نیز از این هیاهو [مساله اتنیکی، قومی و ملی] بیشتر گروه های مافیایی قدرت نفع میبرند و معلوم نیست هر وقت سیاست حامیان خارجی آنها تغییر کرد مردم پامال شده افغانستان با چه مصائب دیگر مواجه خواهد شد...»
پرسش - راستی مسائل اتنیکی، قومی و ملیتی در کشورهای چند قومی و چند ملیتی مانند افغانستان چگونه بوده و چطور بر مشکلی منازعات از این دست خود غلبه کردند. و راه یا راه های حل- این مساله در کشور ما (افغانستان) چگونه می باشد؟

28 - **متن :** «...از این سبب توصیه من به علاقه مندان این مسئله [ملیتها] آنانی که بخاطر عدالت در پی تعقیب آن اند و نه بخاطر استفاده جویی آن است که از دامن زدن تعصب که لا محال خشونت بار می آورد بپرهیزند...»

پرسش - منظور از توصیه، م.ا. « اکبر»، چه باشد. در حالیکه از یکطرف شونیزم قوم یا قومیتها به هر وسیله ممکن، آنچه می خواهند و میتوانند- بر قوم خود و دیگر اقوام انجام میدهند. آیا آگاهان و مظلومین و محکومین خموشی اختیار کنند و یا راه کارهای را در این راستا در پیش گیرند و آن راه کار و یا راه کارها چه باشد؟

29- **متن :** «... قرآینی وجود دارد که حدت دوره کنونی مسائل قومی ناشی از دست اندازی های کشور های صاحب غرض است روس ها به استراتژی دوم خود که صرف نظر از راه یافتن به بحر هند و اتکا به حفظ نفوذ خود تا کوه هایی هندوکش به مثابه مرز شمال و جنوب آسیا روی آورده اند. ایرانی ها نیز بخاطر جلوگیری از داخل شدن حریفان جدید به بازار انرژی از این سیاست حمایت می کنند و در عین حال دعوای ایران بزرگ را در تحقیقات تاریخی و فعالیت هایی فرهنگی خود شدت بخشیده و مراکز

متعددی در افغانستان ایجاد و از آنها بهره برداری می کنند. پاکستان نیز اگر بتواند مسئله پشتون ها را به نفع خود حل کند در نهایت به تقسیم و ترکه افغانستان رضایت میدهد...»

پرسش - این درست است که دشمنان داخلی و خارجی از موجودیت منازعات قومی و مذهبی کشور سود برده اند، میبهرند و در آینده خواهند برد. و آیا- با راه یافته‌های موثر برای پایان منازعات یاد شده، استفاده جوی ایشان (دشمنان داخلی و خارجی مردم افغانستان) در قدم نخست فروکش خواهد کرد و بالأخره پایان خواهد یافت؟

30 - **متن** : «...بنابر این [باری سودجویی همسایه از مسایل اتنیکی در کشور] بر فرزندان واقعی افغانستان که سرزمین واقعاً تاریخیست و غنای حیرت آوری از تنوع را در فرهنگ خود جذب نموده است هوشیار باشند و مسائل را در سطح جهانی و منطقه ای ببینند...»

پرسش - راستی مسائل اتنیکی در افغانستان چگونه با در نظر داشت مسائل منطقه ای و جهانی مطرح گردد (کاش، م.ا. « اکبر، چیزی در باره مینوشتنند) تا هم غنای فرهنگی گوناگون آن بالنده باشد و هم همسایه های حریص و مراکز سودجوی جهانی از بابت منازعات اتنیکی کشور (افغانستان) سود جوی کرده نتوانند؟

31- **متن** : «...این کشور [افغانستان] طی چهاردهه اخیر باز هم تمام مکاتب اندیولوژیک و سیاسی بشری را با قیمت گزاف بر تجربه تاریخی خود افزوده است و اگر بتواند محوری ملی واقع بین به وجود آورد میتواند مدل تازه و تجربه نشده ای از توسعه را به کشور های منطقه به ارمغان بیاورد و در زمینه جهانی شدن حرف های تازه عرضه کند.

25- **متن** : «... در صورتی که افغانستان در حقیقت کشور اقلیت هاست اگر دهها قوم کوچک و بزرگ کشور را که قدرت نظامی و حامی خارجی ندارند در نظر بگیریم شاید کمیت آنها نفوس قابل توجهی از ساکنان کشور را تشکیل دهد ولی کسی از حقوق آنها سخن نمیگوید...»

پرسش - آیا چنین است که م.ط. « اکبر » مطرح کرده است؟

26- **متن** : «... نگارنده نکته طنز آمیزی از نور محمد ترکی را در مورد دامن زدن مسائل قومی بخاطر دارم که گفته بود این مسئله [طرح اصولی مساله ملی ...] دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف است...»

پرسش - بالفرض نورمحمد تره کی گفته باشد (« این مسئله [طرح اصولی مساله ملی ...] دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف است... ») ، بدین لحاظ نباید در باره منازعت ملی و قومی اندیشید و برای آن نباید راه حل را جستجو کرد؟ چون جناب تره کی جستجوی راه حل منازعات اتنیکی کشور را دوام همان اختلافات فئودالی و ملوک الطوائف دانسته است.

27 - **متن** : «... با تاسف امروز نیز از این هیاهو [مساله اتنیکی، قومی و ملی] بیشتر گروه های مافیایی قدرت نفع میبهرند و معلوم نیست هر وقت سیاست حامیان خارجی آنها تغییر کرد مردم پامال شده افغانستان با چه مصائب دیگر مواجه خواهد شد...»

پرسش - راستی مسائل اتنیکی، قومی و ملیتی در کشورهای چند قومی و چند ملیتی مانند افغانستان چگونه

بوده و چطور بر مشکلی منازعات از این دست خود غلبه کردند. و راه یا راه های حل- این مساله در کشور ما (افغانستان) چگونه می باشد ؟

28 - **متن :** «...از این سبب توصیه من به علاقه مندان این مسئله [ملیتها] آنانی که بخاطر عدالت در پی تعقیب آن اند و نه بخاطر استفاده جویی آن است که از دامن زدن تعصب که لا محال خشونت بار می آورد بپرهیزند...»

پرسش - منظور از توصیه، م.ا. « اکبر»، چه باشد. در حالیکه از یکطرف شونیزم قوم یا قومیتها به هر وسیله ممکن، آنچه می خواهند و میتوانند- بر قوم خود و دیگر اقوام انجام میدهند. آیا آگاهان و مظلومین و محکومین خموشی اختیار کنند و یا راه کارهای را در این راستا در پیش گیرند و آن راه کار و یا راه کارها چه باشد ؟

29- **متن :** «... قرآینی وجود دارد که حدت دوره کنونی مسائل قومی ناشی از دست اندازی های کشور های صاحب غرض است روس ها به استراتژی دوم خود که صرف نظر از راه یافتن به بحر هند و اتکا به حفظ نفوذ خود تا کوه هایی هندوکش به مثابه مرز شمال و جنوب آسیا روی آورده اند. ایرانی ها نیز بخاطر جلو گیری از داخل شدن حریفان جدید به بازار انرژی از این سیاست حمایت می کنند و در عین حال دعای ایران بزرگ را در تحقیقات تاریخی و فعالیت هایی فرهنگی خود شدت بخشیده و مراکز متعددی در افغانستان ایجاد و از آنها بهره برداری می کنند. پاکستان نیز اگر بتواند مسئله پشتون ها را به نفع خود حل کند در نهایت به تقسیم و ترکه افغانستان رضایت میدهد...»

پرسش - این درست است که دشمنان داخلی و خارجی از موجودیت منازعات قومی و مذهبی کشور سود برده اند، میبرند و در آینده خواهند برد. و آیا- با راه یافتهای موثر برای پایان منازعات یاد شده، استفاده جوی ایشان (دشمنان داخلی و خارجی مردم افغانستان) در قدم نخست فروکش خواهد کرد و بالأخره پایان خواهد یافت ؟

30 - **متن :** «...بنابر این [باری سود جویی همسایه از مسایل اتنیکی در کشور] بر فرزندان واقعی افغانستان که سرزمین واقعاً تاریخیست و غنای حیرت آوری از تنوع را در فرهنگ خود جذب نموده است هوشیار باشند و مسائل را در سطح جهانی و منطقه ای ببینند...»

پرسش - راستی مسائل اتنیکی در افغانستان چگونه با در نظر داشت مسائل منطقه ای و جهانی مطرح گردد (کاش، م.ا. « اکبر، چیزی در باره مینوشتنند) تا هم غنای فرهنگی گوناگون آن بالنده باشد و هم همسایه های حریص و مراکز سودجوی جهانی از بابت منازعات اتنیکی کشور (افغانستان) سود جوی کرده نتوانند ؟

31- **متن :** «...این کشور [افغانستان] طی چهاردهه اخیر باز هم تمام مکاتب اندیولوژیک و سیاسی بشری را با قیمت گزاف بر تجربه تاریخی خود افزوده است و اگر بتواند محوری ملی واقع بین به وجود آورد میتواند مدل تازه و تجربه نشده ای از توسعه را به کشور های منطقه به ارمغان بیاورد و در زمینه جهانی شدن حرف های تازه عرضه کند. زیرا موقعیت جیوپولیتیک و جیوکلچر این ساحه جغرافیایی و تاریخی منحصر به فرد است و به اذعان توپینی مورخ و فیلسوف بزرگ قرن بیستم از این نظر حتی خاور میانه عربی یعنی شامات و عراق نیز غنای آن را ندارد و تجارب اخیر که توپینی آن را پیش بینی نکرده بود هنوز هم این امتیاز افغانستان را برجسته تر ساخته است...»

پرسش - کاش، م.ا. « اکبر»، حیات میداشت تا در زمینه بعلاوه توصیه، از طرح راه حل در باره چیزی میگفت و شاید در گوشه‌ی خاطرات و یادداشتهای خویش (سرگذشت و چشم دیده‌ها، « م.ا. اکبر»)، اگر

چیزی در باره داشته باشد، میشود ارجمندی محمد ابراهیم «اکبر»، چون مسئولیت تداوم و به نشر رساندن آن («سرگذشت و چشم دیده‌ها») را به عهده دارد، چیزی به نشر برساند، تا دانسته باشیم در زمینه چیزی دارند یا خیر؟

32 – متن : «...البته منظور من تحقیر شخصیت های سیاسی و روشنفکری تاریخ معاصر ما نیست بلکه متأسفانه آنها در زمانی وارد میدان مبارزه شدند که جهان در مرحله جنگ سرد به سر میبرد و هر یک از آن جناح ها ناگزیر زیر تاثیر یکی از قطب های جهانی قرار داشتند. از آن جمله بدخشی به دست حریفان تتگنظر خود به شهادت رسید که ما از آن متأسفیم...» پرسش – این درست است که سایه جنگ سرد (نیمه دهه چهل الی دو سال اول دهه نود قرن بیست) بر جنبشهای چپ و راست در افغانستان، منطقه و جهان بی تاثیر نبود و این هم درست هست درجه تاثیر پذیری در همه جاه و همه احزاب و سازمانها، یکسان نبود و طرح- م.ط. «بدخشی»، بنام سیاست هوشه مین – کاسترو، و بعدها ارایه سیاست عدم دنبالروی از بابت سیاستهای محوری «مسکو»، «پکن» و جنبشهای جهانی آنوقت- چه بدست می دهد؟

33 – متن : «...ولی تاریخ به عقب حرکت نمیکند و ما باید از تجارب آنها بیاموزیم نه در پی اسطوره سازی از آنان براییم و نه از خون و شهادتشان بخاطر اغراض کوچک و تتگنظرانه سوء استفاده کنیم...» پرسش – آیا تجارب مثبت سیاسی آنها [رهبران جنبش چپ و راست و بخصوص، م.ط. بدخشی] چه باشد؟ که، م.ا. «اکبر» از آن یاد کرد اما مشخص نساخت، تا استفاده میشد. آیا یادی از آنها، خاطره ایشان، دیدگاه ها و عملکردهای آنها مجاز است یا به گفته‌ی، م.ا. «اکبر» عملیست در جهت اسطوره سازی ایشان؟

اشاره : شاید بزرگوارانی نخواهند از طریق صفحه تارنما و سیات ابراز نظر نمایند. اینک ایمیل آدرس «

(majidpoor2@gmail.com) در خدمت ایشان اگر گفتنی داشته باشند. البته ممنون خواهند ساخت.

نوت : در فرصت مناسب بخشهای «سرگذشت و چشم دیده‌ها»، م.ا. «اکبر»، را به بحث و واکاوی خواهیم گذاشت.

(تشنگان راه حقیقت و واقعیت...)

ادامه دارد